

## بررسی تاثیر طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان و عملکرد خانواده (مورد مطالعه: شهر بوشهر)

علیرضا گلستانی<sup>۱\*</sup>، داریوش رضاپور<sup>۱</sup>، سیده حمیده رفائی<sup>۲</sup>

(۱) استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور بوشهر، بوشهر، ایران  
(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور بوشهر، بوشهر، ایران

\*نویسنده مسئول: Ali56golestani@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۳/۰۲/۲۷

### چکیده

با توجه به آسیب‌های طلاق عاطفی و نقش این موضوع بر سلامت روان فرزندان و نیز اهمیت و پیشگیری از مشکلات آن برای فرزندان این خانواده‌ها دارند. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان و عملکرد خانواده انجام گرفت. این مطالعه از نوع توصیفی - پیمایشی با هدف کاربردی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه خانواده‌های ساکن بوشهر در سال ۱۴۰۲ بود. با توجه به جدول کرجسی مورگان و فرمول کوکران حجم نمونه به تعداد ۲۰۰ خانواده ساکن در شهر بوشهر که طلاق عاطفی در آنها در مراکز مشاوره ثبت شده بود انتخاب شدند. نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده از کلیه خانواده‌های دارای سابقه طلاق عاطفی ساکن بوشهر انتخاب و پرسشنامه‌های پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده مک مستر و پرسشنامه روحیه فرزندان بین آنها توزیع گردید. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ اندازه گیری و با توجه به اینکه مقدار آلفا برای همه متغیرها بیشتر از ۰/۷ بود. به جهت تجزیه تحلیل از نرم افزار SPSS-20 استفاده شد. نتایج نشان داد که طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان و عملکرد خانواده تاثیر معناداری دارد. همچنین طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان، طلاق عاطفی بر عملکرد خانواده، عملکرد خانواده بر روحیه فرزندان تاثیر داشته و در نهایت وضعیت طلاق عاطفی در بین خانوارهای شهر بوشهر بالاتر از میانگین می باشد. میزان ضریب تعیین ۰/۳۷۴- نشان دهنده میزان تغییرات روحیه فرزندان به وسیله طلاق عاطفی می باشد. همچنین نتایج نشان داد که ضریب استاندارد طلاق عاطفی به میزان ۰/۵۳۵- در پیش بینی عملکرد خانواده تاثیر دارد. با توجه به اثرات طلاق عاطفی و علل و پیامدهای مخرب آن بر بهداشت روانی کودکان و شرایط جسمی و روحی آنها میتوان نتیجه گرفت که زنان و مردان در امر تشکیل خانواده باید دقت و تمرکز کافی برای انتخاب صحیح همسر را داشته باشند.

**کلید واژگان:** طلاق عاطفی، روحیه فرزندان، سلامت روان، عملکرد خانواده.

شرایط رشد جسمی و درسی فرزندان به رشد فکری  
روحی کودکان نیز توجه کنند. خانه ایی که در آن پدر و  
مادر در کنار هم سرد و بی تفاوت زندگی میکنند و تنها  
جسم‌هایشان به هم نزدیک است و روح‌هایشان فرسنگ‌ها  
از هم دورند، نمیتواند فضای مناسبی برای تغذیه جسمی  
و روحی کودکان باشد و درس مهر و محبت و  
از خودگذشتگی به آنها بدهند. ذهن و روان والدینی که  
هوش عاطفی و روابط مناسب دارند آمادگی تربیت

### مقدمه

در خانواده‌های درگیر طلاق عاطفی علاوه بر زن و  
مرد، فرزندان نیز از بهداشت روان برخوردار نیستند. رابطه  
با فرزندان یا روش‌های فرزندپروری، اهداف مختلفی  
مانند تربیت اخلاقی و روانی فرزندان، رشد و پیشرفت  
استعدادهای فرزندان، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای  
جامعه را دربر میگیرد. خانواده‌ها باید علاوه بر ایجاد

زندگی زناشویی آن‌ها به صورت عملکرد مثبت روی تربیت فرزندان، سرمایه‌گذاری بیشتر روی آینده آن‌ها و توجه به روحیه و وضعیت روانیشان نشان داده می‌شود. تاثیر روانی جدایی عاطفی والدین بر کودکان به سه عامل کیفیت روابط خانوادگی، شدت و مدت تعارضات و پوشش نیازهای فرزندان بستگی دارد. در این رابطه باید بین کودکان پسر و دختر فرق زیادی قائل شد. به این صورت که طلاق عاطفی روی کودکان پسر با ناسازگاری اجتماعی و تحصیلی بیشتری همراه است و در مقابل روی کودکان دختر با پریشانی درونی و افسردگی، دردهای جسمانی و تغییر در الگوی غذا خوردن مشاهده می‌شود. پذیر نقش پدر و نگرش درست مادر در زندگی این کودکان از سوی والدین می‌تواند این علائم را کم‌رنگ‌تر کند (اسماعیلوا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳).

استرس و اضطراب از شایع‌ترین اختلالات روانی کودکان در نتیجه جدایی عاطفی والدین هستند. با ناخوشایند شدن فضای خانه و جو متشنج و دعوا بین پدر و مادر، اولین چیزی که در کودک شکل می‌گیرد همین استرس است. تمرکز داشتن برای یک ذهن آشفته کاری غیر ممکن است. تمرکز برای ذهن کودکی که در مدت زمانی طولانی در خانه‌ای بدون عشق و شادی زندگی کرده است، به اندازه یک فرد بزرگسال دارای مشکلات زیاد، سخت است. رفتار تحریک‌پذیر و پرخاشگری پدر و مادر اولین الگوی کودکان در خانه هستند و آن‌ها مانند یک دستگاه کپی هر رفتاری یا گفتاری را ببینند یا بشنوند، عینا اجرا می‌کنند. پرخاشگری کودکان تاثیر مستقیم دعوا و جروب‌بحث بین والدین است و تحریک‌پذیری شدید نیز از همین مورد نشات می‌گیرد (انامی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴). مطالعات نشان می‌دهد که اثرات روانی و فشار روحی طلاق عاطفی حتی اگر به طلاق قانونی کشیده نشود تا بزرگسالی نیز باقی می‌ماند. اثرات طلاق بر فرزندان نشان‌دهنده یک تغییر اساسی و اغلب آسیب‌زا در دنیای آن‌هاست و از دیدگاه آن‌ها، طلاق یعنی از دست دادن

فرزندانی موفق در زمینه‌های مختلف را دارد (رضوانی فر و همکاران، ۱۴۰۰).

میزان روابط درون خانواده نقش کلیدی در شکل‌گیری دیدگاه‌ها و بازتاب‌های اجتماعی اعضای خانواده دارد. پایه و اساس روابط خانواده بر محور روابط زن و شوهر استوار است (جوکار کمال آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). در طول زندگی زناشویی اختلاف‌های کوچک و بزرگی وجود دارد که برخی از این اختلاف‌ها باعث طلاق می‌شوند. گاهی ویژگی‌های فردی باعث طلاق می‌شود و گاهی نیز زن و مرد برای حفظ بنای خانواده خودشان را تغییر نمی‌دهند و هرکدام از آنها روش خاص خود را برای ادامه زندگی اجرا می‌کنند و این باعث سرکوب و کشته شدن عشق و علاقه و محبت بین زوجین می‌شود. خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و آسیب‌پذیرترین گروه در مقابل آسیب‌های اجتماعی است و به‌گونه‌ای که بیشتر مشکلات و آسیب‌ها ابتدا در خانواده پیدا می‌شود. اگر در مقابل مشکلات و آسیب‌ها برخورد نامناسب صورت گیرد و برای پیشگیری از آنها اقدامی صورت نگیرد با درون جامعه رسوخ پیدا می‌کند که به راحتی قابل حل نیست. با توجه به شرایط کنونی جامعه اگر نتوان پایه‌های خانواده را مستحکم کرد خشونت‌های خانگی، اعتیاد و طلاق عاطفی که سلامت خانواده‌ها را به خطر اوج میرسد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به آسیب‌های طلاق عاطفی و نقش این موضوع بر سلامت روان فرزندان و نیز اهمیت و پیشگیری از مشکلات و معایبی که برای فرزندان این خانواده‌ها دارند، لازم است تحقیقاتی در این زمینه انجام شود. بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی آسیب طلاق عاطفی والدین بر سلامت روان فرزندان انجام شد تا با آشنایی نظریه‌ها، علل و پیامد طلاق عاطفی، نمونه کوچکی از آسیب‌ها و مشکلات این خانواده‌ها تبیین شود. طبق مطالعات بسیار روانشناسان حوزه خانواده، تاثیر طلاق عاطفی بر فرزندان با زندگی آن‌ها در آینده ارتباط مستقیمی دارد. تاثیر عشق بین پدر و مادر و کیفیت و دوام

<sup>1</sup> Ismayilova et al.

<sup>2</sup> Enami et al.

خانواده. در مواجهه با این اتفاق تلخ، بسیاری از کودکان غمگین، عصبانی و مضطرب می‌شوند و به سختی چگونگی تغییر زندگی‌شان را درک می‌کنند. جدایی عاطفی یا طلاق عاطفی در فرزندان پسر و دختر بسته به شرایط سنی و شخصیتی آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد. شاید بتوان گفت که اثر منفی این مسئله بر پسرها بیشتر از دختران است. برای مثال با توجه به جنسیت فرزند در پسران با رفتارهای بیرونی، پرخاشگری و رفتارهای منفی و در دختران اختلالاتی همراه با اضطراب و استرس خواهد بود (سندز و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

طلاق عاطفی والدین در کودکان کم سن ممکن است باعث شود عادات غذایی آن‌ها تغییر کند. حتی در فرزندان بزرگتر نیز احساس گناه باشد و آن‌ها خود را دلیل به وجود آمدن این مشکلات در والدین ببینند و حتی خشم و رنج خود را بر خواهر یا برادر خود نشان دهند (سندز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷).

برخلاف تصور عمومی، به نظر می‌رسد که بیش از نیمی از تعارضهای ایجاد شده بین زوجین اساساً قابل حل نیست، هنر زوجهای موفق این است که برای این تعارضها راه حلی یافته اند، یعنی آموخته اند که مشکل بعدی را در جای خود نگاه دارند و شوخ طبعی شان را نسبت به آن حفظ کنند (گاتمن و سیلور<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). برخی از تعارضها از عوامل زیربنایی، یعنی مسائل شخصیتی ناشی می‌شوند (آماتو و پریوت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). به نظر این محققان مشکلات شخصیتی عامل نیمی از جدایی‌ها به حساب می‌آید. از جمله این ویژگی‌ها که پیش‌بینی کننده‌ی ناسازگاری و طلاق است، روان رنجورخویی است. در یک پژوهش طولی ۳۰۰ زوج طی ۵ سال مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که وجود روان رنجور خویی در ابتدای مطالعه، با جدایی در پایان مطالعه مرتبط بود (کلی و کونلی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷).

امروزه روش‌های فرزندپروری شامل بر عوامل تعیین‌کننده رشد، آسیب‌شناسی و سلامت روانی کودکان و نوجوانان می‌باشند. کودکان اوقات زیادی را با خانواده سپری می‌کنند و بیشتر از والدین متأثر می‌شوند و آنها را الگوی خود قرار می‌دهند. امروزه روانشناسان بر نقش والدین بر خانواده و ارتباط آنها با یکدیگر تأکید می‌کنند (علوی لواسانی و احمدی ظهور سلطانی، ۱۳۹۶).

### روش‌شناسی

این مطالعه از نوع پیمایشی و میدانی می‌باشد که بررسی تاثیر طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان و عملکرد خانواده در شهر بوشهر پرداخته است. جامعه آماری شامل کلیه خانواده‌های ساکن بوشهر در سال ۱۴۰۲ بود که پس از بررسی تعداد آنان با توجه به جدول کرجسی مورگان و فرمول کوکران حجم نمونه به تعداد ۲۰۰ خانواده بصورت تصادفی منظم انتخاب شدند.

جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است.

۱- مطالعات کتابخانه‌ای: روش‌های کتابخانه‌ای در تمامی تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق نیز محقق برای جمع‌آوری ادبیات و سوابق موضوع از منابع فارسی و لاتین کتابخانه‌ای، مقالات، کتابهای مورد نیاز و نیز از شبکه جهانی اینترنت منطبق با موضوع تاثیر طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان و عملکرد خانواده استفاده و نتایج مطالعات خود را جهت شناسایی متغیرهای مورد نظر مطالعه در ابزار مناسب اعم از فیش، جدول و فرم، ثبت و نگهداری کرده و در پایان کار نسبت به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آن‌ها اقدام نموده است.

۲- تحقیقات میدانی: در این روش جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه که قبلاً توسط چندین پژوهشگر مورد استفاده قرار گرفته استفاده گردیده و تنها در مواردی با توجه به موضوع، با نظرات اساتید راهنما تصحیح شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش استفاده از

<sup>1</sup> Sands et al.

<sup>2</sup> Sands et al.

<sup>3</sup> Gottman & Silver

<sup>4</sup> Amato & Previti

<sup>5</sup> Kelly & Conley

پرسشنامه استاندارد سنجش عملکرد خانواده مک مستر و روحیه فرزندان بعد از طلاق می باشد.

در پژوهش پیش رو ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه است.

پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده مک مستر (FAD):

این پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده دارای ۶۰ سوال بوده که توسط مک مستر در سال ۱۹۸۳ طراحی و تنظیم شده است و هدف از این پرسشنامه سنجش خود گزارشی افراد در عملکرد خانوادگی در ابعاد مختلف می باشد که دارای ۷ خرده مقیاس (حل مسائل، ارتباطات، نقش ها، عملکرد عمومی خانواده، کنترل رفتاری و درگیری عاطفی) می باشد.

در ایران نیز این پرسشنامه توسط (عبدالله پور و همکاران، ۱۳۸۹) مورد بررسی قرار گرفته که پایایی آن برای هر یک از مقیاسها به ترتیب زیر بوده است: حل مشکل : ۰.۶۱، ارتباط ۰.۳۸، نقشها ۰.۷۲، پاسخدهی عاطفی ۰/۶۴، آمیزش عاطفی ۰/۶۵، کنترل رفتار ۰/۶۱، و کل مقیاس ۰/۹۲، همچنین بررسی اعتبار شش خرده مقیاس نشان داده است که خرده مقیاس های این ابزار نسبتا مستقل می باشند. این ابزار دارای اعتبار همزمان و پیش بین خوبی است.

پرسشنامه روحیه فرزندان بعد از طلاق

مقیاس روحیه فرزندان بعد از طلاق با استفاده از پرسشنامه مورد استفاده (آزاد و رضایی، ۱۳۹۵)، (لقمان نیا و همکاران، ۱۳۹۷) شامل ابعاد پرخاشگری شامل ۵ سوال، افسردگی شامل ۷ سوال، افت تحصیلی شامل ۵ سوال، رشد اجتماعی شامل ۴ سوال و بزهکاری شامل ۶ سوال می باشد. پایایی پرسشنامه ۰/۹۶ دارای اعتبار مناسبی می باشد.

از شاخص های مرکزی (میانگین میانه و انحراف استاندارد) برای توصیف داده های کمی و برای تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی اندازه و شدت رابطه بین متغیرها و آزمون رگرسیون خطی برای بررسی قدرت پیش بینی و تاثیر متغیرها استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها بوسیله نرم افزار spss ۲۳ انجام شده است.

#### یافته ها

از ۲۰۰ نفر تحت مطالعه ۵۶ درصد (۱۱۳ نفر) آن را زنان و ۴۴ درصد (۸۷ نفر) آنها را مردان تشکیل می داد. از لحاظ سنی، ۳۲ درصد زیر ۳۰ سال، ۳۹ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۹ درصد بیشتر از ۴۱ سال بوده اند.

جدول ۱. آمار ابعاد عملکرد خانواده

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف معیار
حل مشکل	۱۲/۵۷۰۰	۲/۳۹۶۶۳
ارتباط	۱۴/۴۰۵۰	۳/۱۱۲۷۸
نقشها	۱۹/۲۸۵۰	۳/۵۳۷۸۵
پاسخدهی عاطفی	۴/۵۵۰۰	۳/۱۱۰۶۱
آمیزش عاطفی	۱۹/۱۸۰۰	۳/۶۵۹۸۶
کنترل رفتار	۱۹/۲۴۰۰	۳/۷۳۳۹۱
عملکرد عمومی خانواده	۲۴/۸۵۰۰	۴/۷۸۹۸۰
مقیاس کل عملکرد خانواده	۱۲۰/۰۷۵۰	۲۲/۳۶۷۸۶

میزان تغییرات روحیه فرزندان به وسیله طلاق عاطفی می باشد. آماره دوربین- واتسون پدیده خود همبستگی بین متغیرها را نشان می دهد که با توجه به اینکه آماره به دست آمده معادله خط رگرسیون (۲/۴۲۱) بین ۱/۵ و ۲/۵ می باشد نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی در معادله خط رگرسیون می باشد (جدول ۲).

با توجه به نتایج (جدول ۱) همبستگی بین ابعاد طلاق عاطفی با همه ابعاد روحیه فرزندان بعد از طلاق رابطه معناداری دارد ( $p=0.000$ ) جهت رابطه متغیرها مثبت و مستقیم می باشد. به عبارت دیگر با افزایش میزان طلاق عاطفی در بین افراد نمرات روحیه فرزندان در همه ابعاد افزایش می یابد و بالعکس. میزان ضریب تعیین ۰/۳۷۴ نشان دهنده

جدول ۲. ضریب همبستگی و ضریب تعیین

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	دوربین واتسون	آماره F	سطح معناداری
۰/۶۱۱	۰/۳۷۴	۲/۴۲۱	۱۱۸/۲۱۷	۰/۰۰۰

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون

متغیر پیش بین	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد beta	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲۶۲/۵۷۹	-	۱۶/۳۷۱	۰/۰۰۰
طلاق عاطفی	-۶/۰۸۲	-۰/۵۳۵	-۸/۹۱۶	۰/۰۰۰

۰/۶۱۱ در پیش بینی روحیه فرزندان تاثیر دارد. همچنین طلاق عاطفی به میزان ۰/۵۳۵- در پیش بینی عملکرد خانواده تاثیر دارد.

بر اساس (جدول ۳) نتایج نشان می دهد ضریب استاندارد طلاق عاطفی به میزان ۰/۵۳۵- در پیش بینی عملکرد خانواده تاثیر دارد.

همبستگی بین عملکرد خانواده و روحیه فرزندان بعد از طلاق رابطه معناداری را نشان داد و مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۷۹- که نشان داد با کاهش عملکرد خانواده در بین افراد نمرات روحیه فرزندان که شامل پرخاشگری، بزهکاری و... می باشد در همه ابعاد افزایش می یابد. میزان ضریب تعیین ۰/۵۳۱ نشان دهنده میزان تغییرات روحیه فرزندان به وسیله عملکرد خانواده می باشد.

جهت بررسی تاثیر طلاق عاطفی بر عملکرد خانواده و روحیه بعد از طلاق از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. همان طور که در آزمون رگرسیون نشان داده شد بر اساس جداول بدست آمده نتایج نشان می دهد طلاق عاطفی به میزان

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به نظریات روانشناسی، طلاق عاطفی و علل و پیامدهای مخرب آن بر بهداشت روانی کودکان و شرایط جسمی و روحی آنها میتوان نتیجه گرفت که زن و مرد برای ازدواج و تشکیل خانواده باید دقت و تمرکز لازم برای انتخاب صحیح همسر را داشته باشند.

نتایج نشان می دهد طلاق عاطفی به میزان ۰/۶۱۱ در پیش بینی روحیه فرزندان تاثیر دارد. همچنین طلاق عاطفی به میزان ۰/۵۳۵- در پیش بینی عملکرد خانواده تاثیر دارد. تا کنون تحقیقی

همکاران، ۱۳۹۷) نشان داد برونگرایی از طریق سبک های مقابله ای با ادراک از بیماری ارتباط دارد.

(باسی و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰)، نیز به این نتیجه رسیدند که راهبردهای اجتنابی و حمایت اجتماعی از طریق تأثیر بر باورهای مرتبط با بیماری سلامت جسمانی بر مؤثر بودند. (فبرز و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱)، نیز نشان دادند که سازگاری خانواده نقش مؤثری در اتخاذ راهبردهای شناختی مؤثر در مقابله با استرس و ادراک بهتر بیماری دارد. نتایج پژوهش پیرا مورالز، آدان، فبرس نیز نشان داد راهبرد مقابله هیجان مدار و درماندگی روان شناختی میانجی ارتباط بین تجربه گرایی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی بود (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰).

نتایج نشان داد که بین ابعاد طلاق عاطفی با همه ابعاد روحیه فرزندان بعد از طلاق رابطه معناداری دارد و جهت رابطه متغیرها مثبت و مستقیم می باشد. فرضیه حاضر با تحقیقات انجام شده توسط (صدوقی و همکاران، ۱۳۹۸) همسو می باشد. از نظر پژوهشگر رابطه والد فرزندی ناکارآمد در سایه تعامل های زناشویی عاری از عطوفت، همراهی، حمایت کافی و امنیت روانی مانعی برای رشد هویت سالم و در نهایت، شکل گیری شخصیت سالم فرزندان محسوب می شود. در نتیجه تعارض های حل نشدنی و تکراری، امنیت روانی فرزندان متزلزل می شود که این امر نقش بسزایی در ناتوانی آنها در مدیریت هیجانانشان دارد. بدیهی است که سپری کردن زندگی در فضایی فرسایشی و سرشار از هیجان های ناخوشایند با اثرگذاری نامطلوب روی خلق و خوی فرزندان، بهزیستی روان شناختی آنها را با تهدیدی جدی مواجه می کند.

نتایج نشان داد که بین ابعاد طلاق عاطفی با همه ابعاد عملکرد خانواده رابطه معناداری دارد و جهت رابطه متغیرها منفی و معکوس می باشد. فرضیه

انجام نشده که به طور همزمان بتواند نقش طلاق عاطفی را در روحیه فرزندان و عملکرد خانواده بررسی نماید. مطالعات رفتار شناسی، بیماران نشان داده است که افراد به یک اندازه تحت تأثیر علائم بیماری قرار نمی گیرند و در زمینه ادراک استرس با یکدیگر تفاوت زیادی دارند؛ چراکه این افراد عوامل استرس زا را به شیوه های مختلفی درک و تفسیر می کنند (وودهوس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). شیوه های مختلف درک و تفسیر یا راهبردهای مقابله با استرس تلاشهای متمایز و متغیر شناختی، رفتاری عاطفی برای مدیریت تهدید سلامتی است (دهرای و عدل پرور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶) و (سیرلی و سویکان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶).

(لیان و یوسف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) راهبردهای مقابله را به صورت بیرونی (مساله مدار) و درونی (هیجان مدار) تعریف کرده اند. این راهبردها متأثر از ویژگی های شخصیتی هستند؛ به طوری که مطالعات را نشان داده اند (پراین استین و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). ویژگی وجدان گرایی برون گرایی توافق پذیری و گشودگی منجر به تلاش در جهت مدیریت استرس و تغییر مساله استرس زا می شود؛ در حالیکه افراد روان رنجور چنین ویژگی را ندارند (متسون و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸) و (پرایرا مارلش و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). از طرفی نیز این راهبردها بر ادراک فرد از بیماری خود اثر گذار هستند؛ بدین صورت که افرادی که ادراک بیماری مطلوب تری دارند از راهبردهای مقابله ای کارآمدتری استفاده می کنند؛ در حالی که راهبرد اجتنابی منجر به ادراک ضعیف از بیماری می شود که در نهایت بروز افسردگی، اضطراب و کاهش کیفیت زندگی را به دنبال دارد (رم و هوا<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳) و (راماپربوا<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴). یافته های پژوهش (باقریان و

<sup>1</sup> Woodhouse et al.

<sup>2</sup> Dahraei & Adlparvar

<sup>3</sup> Şireli & Soykan

<sup>4</sup> Lian & Yusooff

<sup>5</sup> Prinstein et al.

<sup>6</sup> Mattson et al.

<sup>7</sup> Pereira-Morales et al.

<sup>8</sup> Ram & Hou

<sup>9</sup> Ramaprabou

<sup>10</sup> Bassi et al.

<sup>11</sup> Febres et al.

درمانی می شود و ادراک واقع بینانه تری از بیماری را به دنبال دارد. (لیونگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷)، نیز به این نتیجه رسید که ادراک حمایت های خانوادگی سبب بهبود باور های فرد درمورد بیماری اش می شود.

با توجه به نتایج جدول همبستگی بین عملکرد خانواده و روحیه فرزندان بعد از طلاق رابطه معناداری دارد و جهت رابطه متغیرها منفی و معکوس می باشد. به عبارت دیگر با کاهش عملکرد خانواده در بین افراد نمرات روحیه فرزندان که شامل پرخاشگری، بزهکاری و... می باشد در همه ابعاد افزایش می یابد و بالعکس. معمولاً خانواده را به عنوان مکانی امن و با عاطفه می دانیم که همیشه گرم و پر شور است و در بدترین شرایط و با وجود مشکلات، محیط آرام بخشی را برای اعضای خود فراهم می کند. اما این موضوع امروزه برای بسیاری از خانواده ها بیشتر به یک رؤیا شباهت دارد چه بسا که افراد در این خانواده ها سالها با نارضایتی زندگی می کنند. اما به راستی چرا زوجهایی که زندگی مشترکشان را با شور و عشق آغاز می کنند سر انجام به جایی می رسند که فقط کینه، خشم و تنفر، بدبینی و... تنها سر فصل مشترک آنها می شود. چنین خانواده هایی را می توان خانواده های دچار اختلال در عملکرد دانست چرا که اختلال در عملکرد خانواده، مشکلاتی را در سیستم خانواده ایجاد می کند و در صورت تشدید مشکلات، خانواده را به سمت فروپاشی سوق می دهد. محیطی که خانواده و روابط خانوادگی بیشتر باعث تضعیف روحیه فرزندان شده و لطمات جبران ناپذیری به آنها وارد می کند. خانواده های متقاضی طلاق به طور مناسب به موقعیت های هیجانی مختلف پاسخ نمی دهند، آنها واکنش های هیجانی مثبتی مانند عشق، مهربانی و شادی و نیز واکنش های احساسی اضطرابی مانند

حاضر با تحقیقات انجام شده توسط (خاتمی و همکاران، ۱۳۹۹) همسو می باشد. به عبارت دیگر با افزایش میزان طلاق عاطفی در بین افراد نمرات عملکرد خانواده در همه ابعاد کاهش می یابد و بالعکس.

در کنار عوامل شخصیتی، عوامل خانوادگی و عملکرد خانواده نیز می توانند بر ادراک فرد از خود اثرگذار باشند (ناسارامسی میلانس و نایلس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). اختلال در کارآیی خانواده، مشکلاتی را در منظومه خانواده ایجاد می کند و در صورت تشدید مشکلات، خانواده را به سمت فروپاشی سوق می دهد. افزایش نرخ طلاق در جوامع مختلف در دهه های اخیر تا حدودی حکایت از کارآیی مختل خانواده ها دارد. کارکردهای خانواده ممکن است متنوع باشند اما کارکرد اصلی خانواده باید برآوردن نیازهای فردی اعضای خانواده باشد؛ در خانواده ها، عملکرد مطلوب خانواده و ایفای نقش حمایت گرانه میتواند منجر به درک بهتر فرد از خود و فعالیتش در زندگی شده و کیفیت زندگی وی را افزایش دهد. از طرف دیگر، عملکرد خانوادگی به اشکال مختلف بر سیر و درمان بیماری افراد خانواده اثر گذار است؛ چرا که خانواده به عنوان سپر دفاعی در برابر افسردگی و اضطراب و همچنین منبع ارزشمندی برای مراقبت از بیمار عمل میکند (شجاعی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

نتایج پژوهش (هنری و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). نشان داد که عملکرد خانواده پیش بینی کننده معنی داری از رفتارهای بهداشتی و ادراک بیماری بود و تأثیر عملکرد خانواده بر رفتارهای بهداشتی از طریق ادراک بیماری است. بدین صورت که عملکرد مثبت خانواده و حمایت ادراک شده از سوی آنان سبب افزایش رفتارهای بهداشتی و پیروی از دستورات

<sup>1</sup> Nassar-McMillan & Niles

<sup>2</sup> Shojae et al.

<sup>3</sup> Henry et al.

<sup>4</sup> Leung et al.

ترس، اضطراب، خشم و مانند آن را به طور مناسب بروز نمی دهند.

می توان نتیجه گرفت که میانگین وضعیت طلاق عاطفی در بین خانوارهای شهر بوشهر بالاتر از میانگین می باشد. فرضیه حاضر با هیچکدام از تحقیقات انجام شده همسو نمی باشد. در حقیقت، فرزندان خانواده های دچار طلاق عاطفی والدین، به جای آنکه خانواده را پناهی امن و سرشار از آرامش برای خود بدانند، آن را عامل آشفتگی و فشار تلقی می کنند. به نحوی که غالب آنها یا آرزوی جدایی پدر و مادر یا جدایی خود از خانواده را دارند. والدین، اولین آموزگاران و الگوهای فرزندان محسوب می شوند؛ بنابراین در خانه ای که پدر و مادر تنها به حضور فیزیکی یکدیگر بسنده کرده اند، نمی توانند فضای غنی را برای رشد روحی و امنیت عاطفی کودکان فراهم آورند. از این رو، بچه ها نه تنها از رابطه سالم والدین خود محروم می شوند، فداکاری، صمیمیت، عشق، ایثار و فداکاری و در یک کلام درس زندگی را نمی آموزند.

زوجین در اثر ضعف سواد عاطفی و ناتوانی در حل تعارض، طلاق عاطفی را تجربه میکنند. بنابراین بررسی میزان سواد عاطفی زوجین و همچنین شناسایی سبکهای حل تعارض زوجین درک بهتری از سبب شناسی پدیده طلاق عاطفی در زوجین فراهم می آورد. بنابراین لازم است که سواد عاطفی در خانواده ها به سطح بالایی ارتقا یابد تا عملکرد خانواده افزایش یابد و بتوان در محیطی سالم، روحیه فرزندان را ارتقا داد. پیشنهاد میشود که با شناسایی و چالش با طرحواره های ناسازگار اولیه میزان صمیمیت و رضایت زناشویی را افزایش و طلاق عاطفی را کاهش دهند تا بتوانند با افزایش روابط عاطفی، روحیه فرزندان را بهبود بخشید.

پیشنهاد میگردد برای ایجاد اعتماد همسران زمینه سازی ایجاد ارتباط صمیمانه، نگرشهای صریح

آنها به زندگی زناشویی احصاء شود. مراکز مشاوره با رویکرد زوج درمانی و خانواده درمانی میتوانند با بهره گیری از نتایج چنین مطالعاتی، به امر تقویت و بهبود کیفیت روابط همسران، کارآمد نمودن زوجین در تقویت عملکرد خانوادگی خود، آموزش مهارتهای زندگی زوجی و خانوادگی و غنی سازی روابط صمیمانه ی همسران بپردازند و بر این امر تاکید شود که چنین ارتقای روابط نیز متضمن روحیه فرزندان خواهد بود.

از محدودیت های پژوهش می توان گفت که پژوهش فقط در شهر بوشهر صورت گرفته است، بنابراین برای تعمیم نتایج آن به سایر شهرها یا استان ها باید جانب احتیاط رعایت گردد.

#### منابع

- رضانی فر، حدیثه؛ کلدی، علیرضا و قدیمی، بهرام (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن، زن در توسعه و سیاست، ۱۹(۲): ۱۶۷-۱۹۱.
- جوکار کمال آبادی، مهناز؛ گلستانه، موسی و محمدی، فاطمه (۱۳۹۶). ساخت، تحلیل عاملی و هنجاریابی آزمون طلاق عاطفی. فصلنامه زنان و خانواده، ۱۲(۳۹): ۸۳-۱۰۵.
- اکبری، ابراهیم؛ پورشریفی، حمید؛ عظیمی، زینب؛ فهیمی، صمد و امیری پیچاکالایی، احمد (۱۳۹۱). اثربخشی گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایتمندی، سازگاری، احساسات مثبت، و صمیمیت زوج های دارای تجربه طلاق عاطفی، مشاوره و روان درمانی خانواده، ۲(۴): ۴۵۵-۴۸۵.
- علوی لواسانی، اکرم السادات و احمدی ظهور سلطانی، محسن (۱۳۹۶). همبستگی بدر رفتاری در کودکی با طلاق عاطفی: نقش واسطه ای سبک های دلبستگی، طرحواره های ناسازگار اولیه و دشواری



- Sands, A., Thompson, E. J., & Gaysina, D. (2017). Long-term influences of parental divorce on offspring affective disorders: A systematic review and meta-analysis. *Journal of affective disorders*, 218(1): 105-114.
- Enami, K., Kondo, T., Kajiwara, K., Kawaguchi, R., & Kato, T. (2024). Mothers' parental divorce experience in childhood and their children's mental health: Mediating role of maternal education. *Journal of Affective Disorders*, 358(1): 483-486.
- Gottman, J. M. & Silver, N. (1999). *Seven principles for making Marriages work*. New York: Three Rivers Press.
- Amato, P. R., & Previti, D. (2003). People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of family issues*, 24(5): 602-626.
- Kelly, E. L., & Conley, J. J. (1987). Personality and compatibility: a prospective analysis of marital stability and marital satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 52(1): 27.
- Shafeai, M. (2020). Predicting the mental health of married women based on individual and family components. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 2(2): 66-84.
- Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Levin, S. (1978). The McMaster model of family functioning. *Journal of Marital and Family therapy*, 4(4): 19-31.
- Woodhouse, S., Hebbard, G., & Knowles, S. R. (2018). Exploring symptom severity, illness perceptions, coping styles, and well-being in gastroparesis patients using the common sense model. *Digestive Diseases and Sciences*, 63(1): 958-965.
- Dahraei, H. A., & Adlparvar, E. (2016). The relationship between family functioning, achievement motivation and rational decision-making style in female high school students of Tehran, Iran. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, 3(2): 456-463.
- Şireli, Ö., & Soykan, A. A. (2016). Examination of relation between parental acceptance-rejection and family functioning with severity of depression in adolescents with depression. *Anatolian Journal of Psychiatry*, 17(5): 403-410.
- در تنظیم هیجان. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۶(۴): ۴۹-۵۸.
- عبدالله پور، ابراهیم؛ نجات، سحرناز، نوروزیان، مریم و مجدزاده، سید رضا (۱۳۸۹). اجرای فرایند روانی محتوا در طراحی پرسشنامه‌ها. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۶(۴): ۶۶-۷۴.
- آزاد، پیمان و رضایی، فرشاد (۱۳۹۵). طلاق و تأثیر آن بر دانش آموزان، *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۲(۱): ۱۴۵-۱۶۱.
- لقمان نیا، مهدی؛ ولایتی حسینی، سارا؛ امیریان فرد، طیبه؛ فولادی، فریبا و پاداش، عبدالقادر (۱۳۹۷). تاثیر طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان، *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ایران*، تهران.
- باقریان، رضا؛ احمد زاده، غلام حسین و آبادچی، سهیلا (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای، متغیرهای شخصیتی و ادراک از بیماری در بیماران سکته قلبی. *پرستار و پزشک در رزم*، ۶(۱۸): ۵۳-۶۰.
- جعفرزاده، دنیا؛ شریعتمدار، آسیه و قره‌داغی، علی (۱۴۰۰). توصیف تجربه زیسته فرزندان والدین دچار طلاق عاطفی. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۰(۴): ۱۱۷-۱۴۰.
- صدوقی، لیلا؛ صلاحیان، افشین و نصرالهی، بیتا (۱۳۹۸). تأثیر شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق. *مشاوره کاربردی*، ۹(۱): ۱۱۱-۱۳۰.
- خاتمی، سید محمد حسین؛ بیان‌فر، فاطمه و طباطبایی، سید موسی (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای قاطعیت جنسی در رابطه‌ی بین خودکارآمدی جنسی و طلاق عاطفی. *دوفصلنامه روانشناسی خانواده*، ۷(۱): ۱۰۷-۱۲۰.
- Ismayilova, L., Claypool, E., & Heidorn, E. (2023). Trauma of separation: the social and emotional impact of institutionalization on children in a post-soviet country. *BMC public health*, 23(1): 366.

- mediating role of coping strategies and social support. *Disability and rehabilitation*, 42(26): 3780-3792.
- Febres, J., Rossi, R., Gaudiano, B. A., & Miller, I. W. (2011). Differential relationship between depression severity and patients' perceived family functioning in women versus men. *The Journal of nervous and mental disease*, 199(7): 449-453.
  - Nassar-McMillan, S., & Niles, S. (2010). *Developing your identity as a professional counselor: Standards, settings, and specialties*. Cengage Learning.
  - Shojae, F. S., Afrooz, G. A., & Baghdasarians, A. (2014). Social adjustment of children and degree of marital satisfaction of parents. *Bulletion of environment, pharmacology and life sciences*, 3(2): 276-279.
  - Henry, A., Tourbah, A., Camus, G., Deschamps, R., Mailhan, L., Castex, C., ... & Montreuil, M. (2019). Anxiety and depression in patients with multiple sclerosis: The mediating effects of perceived social support. *Multiple sclerosis and related disorders*, 27(1): 46-51.
  - Leung, K. K., Chen, C. Y., Lue, B. H., & Hsu, S. T. (2007). Social support and family functioning on psychological symptoms in elderly Chinese. *Archives of gerontology and geriatrics*, 44(2): 203-213.
  - Lian, C. T. & Yusooff, F. (2009). The Effects of Family Functioning on Self-Esteem of Children. *European Journal of Social Science*, 9(4):643-650.
  - Prinstein, M. J., Boergers, J., & Spirito, A. (2001). Adolescents' and their friends' health-risk behavior: Factors that alter or add to peer influence. *Journal of pediatric psychology*, 26(5): 287-298.
  - Mattson, E., James, L., & Engdahl, B. (2018). Personality factors and their impact on PTSD and post-traumatic growth is mediated by coping style among OIF/OEF veterans. *Military medicine*, 183(9): e475-e480.
  - Pereira-Morales, A. J., Adan, A., Lopez-Leon, S., & Forero, D. A. (2018). Personality traits and health-related quality of life: the mediator role of coping strategies and psychological distress. *Annals of general psychiatry*, 17(25): 1-9.
  - Ram, B., & Hou, F. (2003). Changes in family structure and child outcomes: Roles of economic and familial resources. *Policy Studies Journal*, 31(3), 309-330.
  - Ramaprabou, V (2014). The effect of family environment on the adjustment patterns of adolescents. *International journal of current research and academic review*, 2(10): 25-29.
  - Bassi, M., Cilia, S., Falautano, M., Grobberio, M., Niccolai, C., Pattini, M., ... & Delle Fave, A. (2020). Illness perceptions and psychological adjustment among persons with multiple sclerosis: the



## Investigating the impact of emotional divorce on children's morale and family functioning (case of study: Bushehr City)

Ali Reza Golestani <sup>\*1</sup>, Dariush Rezapour <sup>1</sup>, Seyedeh Hamideh Refaei <sup>3</sup>

- 1) Assistant Professor, Department of Social Science, Payame Noor University (PNU) of Bushehr, Bushehr, Iran  
3) M.A. Student, Department of Social Science, Payame Noor University (PNU) of Bushehr, Bushehr, Iran
- 

### Abstract

Considering the damage of emotional divorce and the role of this issue on children's mental health, as well as the importance and prevention of its problems for the children of these families. Aim of this study was the investigating the effect of emotional divorce on children's morale and family functioning. This study is descriptive-survey type with practical purpose. The statistical population included all the families living in Bushehr in 1402. According to Morgan's table and Cochran's formula, the sample size was 200 families living in Bushehr where emotional divorce was registered in counseling centers. The samples were randomly selected from all the families with a history of emotional divorce living in Bushehr, and McMaster's family performance questionnaire and children's morale questionnaire were distributed among them. The reliability of the questionnaire was measured using Cronbach's alpha coefficient and considering that the alpha value for all variables was greater than 0.7. SPSS-20 software was used for analysis. The results showed that emotional divorce has a significant effect on children's morale and family functioning. Also, emotional divorce has an effect on children's mood, emotional divorce on family functioning, family functioning on children's mood, and finally, the situation of emotional divorce among households in Bushehr city is higher than the average. The coefficient of determination 0.374 shows the amount of changes in children's mood due to emotional divorce. Also, the results showed that the standard coefficient of emotional divorce has an effect of -0.535 in predicting family performance. Considering the effects of emotional divorce and its destructive causes and consequences on children's mental health and their physical and mental conditions, it can be concluded that women and men should be careful and focused enough to choose the right spouse in the matter of family formation.

**Keywords:** emotional divorce, children's spirit, mental health, family functioning

---